

Explaining the Aesthetic Foundations of Pure Life Based on the Verses of Qur'an

Sedighe Kaviani*

Abstract

Beauty in the Holy Quran has a high status and value. therefore, in many verses, using objective and subjective elements, its culture has been instilled in the audience. On the one hand, the ultimate goal of education in Islam is to achieve a clean life free from any pollution and filth. Accordingly, this article seeks to find the aesthetic foundations of pure life in divine revelations. The results of this study, which were conducted using content analysis method, showed: Beauty and ugliness are not merely subjective, Rather, they emerge in different realms of life and come to the fore. Therefore, in the verses of the Holy Qur'an, Frequently, the ugliness and beauty of affairs and phenomena in different realms and shavings of human existence, such as the heart, thought and belief, emotions, individual and collective action, have been pointed out and the importance of identifying them. This recognition can lead to the avoidance of ugliness and contamination, and consequently the observation of right and truth and avoidance of falsehood and help him to achieve a clean life.

Keywords

The Holy Quran, Ha`yat Tayebee, Aesthetics, Pure Life, Ugliness, Beauty.



*Ph.D. Student Of Philosophy Of Education, Khorasgan Azad University.

تبیین مبانی زیبایی‌شناختی حیات طیبه با تکیه بر آیات

صدیقه کاویانی*

چکیده

زیبایی در قرآن کریم از جایگاه و ارزش والایی برخوردار بوده، لذا در آیات بسیاری با استفاده از عناصر عینی و ذهنی فرهنگ آن به مخاطبین القاء شده است. از سویی هدف نهایی تعلیم و تربیت در اسلام، دستیابی به نوعی حیات طیبه و پاک است که عاری از هرگونه آلودگی و پلیدی باشد. بر این اساس نگارنده در این پژوهش بر آن است تا مبانی زیبایی‌شناختی حیات طیبه در آیات الهی را تبیین نماید. نتیجه این تحقیق که با روش تحلیل محتوا صورت پذیرفته، نشان می‌دهد: زیبایی و زشتی، صرفاً اموری ذهنی و ذهن‌گرایانه نیستند، بلکه در عرصه‌های مختلف زندگی آدمی هویدا شده و به منصفه ظهور می‌رسند. از این رو در آیات قرآن کریم به صورت مکرر به زشتی و زیبایی امور و پدیده‌ها در عرصه‌ها و شئون مختلف وجود آدمی همچون قلب، اندیشه و اعتقاد، عواطف و عمل فردی و جمعی، اشاره و به اهمیت شناسایی آن تذکر داده شده است. این شناسایی می‌تواند باعث اجتناب انسان از زشتی‌ها و آلودگی‌ها، و به تبع آن مشاهده حق و حقیقت و دوری از باطل شده و او را در نیل به حیات طیبه یاری نماید.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.



کلید واژه‌ها

قرآن کریم، حیات طیبه، زیباشناسی، زندگی پاک، زشتی، زیبایی.

۱ - مقدمه

هدف غایی تربیت در اسلام، نیل به «حیات طیبه» است. حیاتی که خالی از هرگونه آلودگی و پلیدی بوده و از ایمان و عمل صالح آغاز می‌گردد تا با طی مراتب کمال، انسان را مقرب درگاه پروردگار خویش نماید. در این مسیر، انسان با حفظ ارتباط با خداوند متعال در تمامی عرصه‌های زندگی، در همه ابعاد و شئون وجودی خود از آلودگی و زشتی برکنار خواهد بود؛ بنابراین چنین انسانی با عنایت خداوند توفیق پیدا می‌کند در جلوه‌گاه‌های مختلف زندگی خود به مراتب حیات طیبه دست یافته و تلاش او برای پالودن خود و جامعه از آلودگی‌ها و زشتی‌ها، موجب رضایت خداوند و در نتیجه تقرب او به خالق بی‌همتا شود.

از سویی زیبایی‌شناسی و زیبایی‌دوستی یکی از ابعاد فطری انسان بوده و از جمله مباحثی است که قدمتی به اندازه آفرینش انسان دارد. این مفهوم که بر اساس مبنای ارزش‌شناسی در فلسفه شکل گرفته، قابلیت است برای درک بهتر ادراکات آدمی نسبت به زیبایی و زشتی امور و پدیده‌ها که هدف نهایی آن توضیح چیستی زیبایی و نیز تحلیل سطوح و گونه‌های متفاوت آن خواهد بود. بر این مبنا و بدان دلیل که قرآن کریم مجموعه کاملی از رهنمودهای الهی بوده و به تمامی نیازهای انسانی در کتاب هدایت خویش توجه نموده، لذا فرهنگ زیباشناختی نیز در آن به مخاطبین القاء شده است. از این رو، تحلیل و تبیین مبانی زیباشناختی حیات طیبه با توجه به آیات قرآن کریم بس ضروری به نظر می‌رسد تا مشخص شود در مسیر رسیدن به حیات طیبه، انسان باید به چه درکی از زیبایی‌شناسی و در کدام عرصه‌ها دست یابد؟ در این راستا این پژوهش با روش تحلیل محتوا و با بررسی تفاسیر و ترجمه‌های متفاوت و استفاده از کتب تربیت اسلامی به بررسی این موضوع پرداخته است.





بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد در زمینه حیات طیبه، نویسندگان بی‌شماری قلم‌فرسایی نموده‌اند که به برخی از آن‌ها که به این پژوهش نزدیک‌ترند اشاره می‌شود. طباطبایی (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «حیات طیبه، حیاتی اخلاقی در راستای مظهریت صفات الهی» به این نتیجه رسیده است که صفات مثبتی نظیر ایمان، عمل صالح و ولایت و صفات منفی نظیر حذف خدامحوری، غفلت از آخرت و مرگ و پیروی از هوای نفس، ارتباط نظام‌مندی با حیات طیبه دارد. در پژوهش حاجی صادقی (۱۳۹۳) با عنوان «مفهوم‌شناسی و حقیقت‌یابی حیات طیبه از منظر قرآن» این مطلب مشخص شده که حیات طیبه، حیاتی جدید و برتر از حیات معمولی است و منشأ آثاری بس ارزشمند برای انسان مؤمن خواهد بود. در مقاله «حیات طیبه و شاخص‌های آن در شبکه مفهومی توسعه سیاسی در قرآن» نوشته باقری‌دولت‌آبادی (۱۳۹۴) نیز، این مسئله تبیین شده که مؤلفه‌های توسعه سیاسی از منظر قرآن، ذیل دال مرکزی حیات طیبه قرار گرفته و بر عقلانیت، مشروعیت، مشارکت سیاسی، مشورت و مفاهمه، نظارت بر قدرت و مهرورزی تکیه نموده است. نتیجه تحقیق مکتب‌دار (۱۳۹۵) با عنوان «نگاهی به مفهوم و مؤلفه‌های حیات طیبه از نگاه قرآن کریم و امیرمؤمنان (علیه السلام)» هم نشان می‌دهد، آشنایی با مؤلفه‌های حیات طیبه، راه را برای جست‌وجوی آن هموار ساخته و زندگی انسان سرگردان در گرداب مشکلات و گرفتاری‌ها را، سرشار از معنا و امید می‌کند. موسوی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «حیات طیبه از منظر قرآن و روایات» به این نتیجه رسیده که خداوند سبحان به‌غیر از زندگی دنیوی، زندگی دیگری را برای انسان مطرح می‌کند که نتیجه آن کمال وجود آدمی و تحقق بخشیدن اغراض روحی و معنوی انسان بوده و این زندگی همان حیات طیبه است.

سلگی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود با عنوان «رابطه حیات طیبه و قناعت از منظر قرآن و تفاسیر» به این موضوع دست یافته که هرچند قناعت به لحاظ مفهومی متباین از حیات طیبه است، لیکن به لحاظ مصداقی با آن تطابق تام دارد، به نحوی که می‌توان قناعت را فصل مقوم و عنصر اصلی حیات طیبه به شمار آورد.

در زمینه زیباشناسی از منظر قرآن نیز مقالات بسیار معدودی نگارش شده است. شریفی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «منظومه مفهومی زیبایی‌شناسی در پرتو آیات قرآن کریم» به این نتیجه رسیده که منظومه‌ای از مفاهیم مادی، معنوی، اخلاقی و ماورای طبیعی در پرتو درک واژگان دال بر زیبایی‌شناسی در قرآن، با یکدیگر پیوستگی داشته و طرحی جامع و منسجم از زیبایی ارائه می‌نمایند. خدایاری (۱۳۹۶) در مقاله «زیبایی‌شناسی تناسب معنایی در سوره آل‌عمران» به جلوه‌های زیباشناسی سخن خداوند همچون اجمال و تفصیل، تضاد و تقابل، نظیره‌سازی و ... در آیات سوره مبارکه آل‌عمران پرداخته است. رونمایی از برجستگی‌ها و زیبایی‌های ادبی و پیام‌های معنوی سوره قارعه نیز، در مقاله معصومی (۱۳۹۶) و با عنوان «تحلیل عناصر زیباشناسی و معناشناسی در سوره قارعه بر اساس روش ساختارگرایی» انجام پذیرفته است.

«تحلیل زیباشناسی سوره مبارکه قمر از منظر سبک‌شناسی» نیز توسط رنجبر (۱۳۹۷) مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه مقالات متفاوت و متعدد دیگری هم با رویکرد دینی و غیردینی، در زمینه زیباشناسی به نگارش درآمده که هیچ‌کدام از آنها رویکرد قرآنی ندارد.

لازم به ذکر است در قالب کتاب نیز ابعاد مختلفی از «حیات طیب» و «زیباشناسی» مورد بررسی قرار گرفته که به علت حجم بالای تألیفات در این مقال، گنجایش نام بردن از آنها نیست! لیکن همان‌گونه که هویدا است و با بررسی جامع پیشینه این دو موضوع مشخص شد، در هیچ‌کدام از تحقیقات انجام شده، نه تنها مبانی زیباشناختی از منظر قرآن مورد بررسی قرار نگرفته که هیچ‌یک از آنها نیز جایگاه شناخت زیبایی در حیات طیب را تبیین و مشخص ننموده‌اند.

لذا موضوع پیش رو موضوعی بکر و جدید است که برای اولین بار و با استفاده از مؤیدات قرآنی مورد پژوهش قرار گرفته است.



۲- حیات طیبه

رسیدن به حیات طیبه و داشتن یک زندگی پاک، یکی از مهم ترین اهداف انسان با ایمان و کامل بوده که این هدف غایی، جز در پرتو ایمان و کردار شایسته به دست نمی آید، همان گونه که خداوند متعال به آن تصریح و فرموده: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾، (نحل: ۹۷). بدان معنا که انسانی که با ایمان بوده و کردار شایسته انجام می دهد، خداوند وی را به یک زندگی جدید که با زندگی سایر مردم متفاوت است هدایت می کند. چنین انسانی در درون خود ارزشی والا می یابد و در درون خود کمال، توانایی، عزت، شادمانی، لذت و نشاط وصف ناپذیری را مشاهده می کند که به سادگی از او سلب شدنی نیست. حیات ظاهری، رفاه مادی و خوردن و خوابیدن و پوشیدن است، اما زندگی پاک و حیات طیبه، رسیدن به حق و مشاهده حقیقت است که باطل در آن راه ندارد. بنابراین، انسان کامل می تواند دارای عزت، قدرت، شادی و نشاط دائمی باشد، مشروط به اینکه در راستای حیات طیبه حرکت نماید (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ص ۸۷۵).

در مسیر این نوع از زندگی خاص، وقتی انسان در طریق سلوک الی الله قدم گذاشت و صادقانه به مجاهدت پرداخت، با تطهیر قلب از حجاب های ظلمانی و به تناسب طهارتی که کسب نموده، از حیات طیبه انسانی و الهی (حیات بالاتر) برخوردار می گردد و طبعاً از آثار خاص آن نیز بهره مند می شود. ظهور انوار الهی در قلب و ظهور انوار در مشاعر انسان، دو اثر از مهم ترین آثار این نوع از زندگی است که با شروع تابش انوار در قلب سالک، ادراکات، مشاعر و حواس وی نیز از این انوار الهی بهره مند گردیده و انوار ربوبی از قلب او بر قوای ادراکی و مشاعر و حواسش می تابد.

اینجا است که سالک الی الله، از قوای ادراکی کامل تر و بالاتر و از مشاعر و حواس برتری برخوردار می گردد. آنچه قبلاً درک نمی کرد و دیگران درک نمی کنند، درک می کند. به آنچه قبلاً شعور نداشت و دیگران به آن شعور ندارند،



شعور پیدا می‌کند و نیز آنچه قبلاً حس نمی‌کرد و دیگران حس نمی‌کنند، حس می‌کند. لذا با ظهور انوار الهی در مشاعر باطنی و ظاهری، سالک الی الله در مراحل مختلف، از شعور و حواس و ادراک برتری برخوردار می‌شود. در نتیجه به حقایق وجود، اسرار هستی، دقایق امور باطنی و احوال درونی عوالم دنیوی و اخروی و در حقیقت به حقایق اسمای الهی و تجلیات الهی و مراتب این تجلیات و بالاخره، به توحید و اسرار آن - به تناسب منزلت عبودی خود و به اندازه ظهور این انوار در مشاعر و حواس وی - پی می‌برد و در نهایت ناظر وجه حق می‌گردد (کاشفی، ۱۳۸۹: ص ۸۸-۸۹). در این راستا قلب، تبدیل به عرش رحمان و حرم امن الهی شده و زمینه آراسته شدن انسان به سوی زیبایی‌های اخلاقی و عملی نیز فراهم می‌آید (محمد نیا کلیمانی، ۱۳۹۱: ص ۸۸).

از سویی آثار و برکات این حیات طیبه، تمام زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت پوشش خود قرار داده و وی را به کمال بی‌نهایت و علم و قدرت بی‌منتهای حق سبحانه متصل می‌گرداند و فقر ذاتی و نیستی و فناى خود را در شئون گوناگون (افعال، صفات و ذات) مشاهده می‌کند. چنین تحولات عظیم در بینش، اخلاق و رفتار انسان، آثار، نشانه‌ها و جلوه‌هایی دارد که انسان ابتدا با توجه ذهنی و تلقین‌های نفسانی در پرتو اعتقادهای صحیح، آن‌ها را در اعمال و واکنش‌های نفسانی مراعات می‌کند و سپس به قلب و جاننش نشاننده و در نهایت با شرایط خاصی، آن‌ها را به وسیله قلب مشاهده می‌کند (تحریری، ۱۳۸۸: ص ۱۹۷).

بنابراین در کل حیات طیبه، ناظر به وضعیت مطلوب وجود آدمی است که در نتیجه ارتباط با خدا و انجام اعمال صالح و دوری از آلودگی‌های ظاهری و باطنی در وی و به تبع آن در جامعه حاصل می‌شود. در این وضعیت، عرصه‌ها و شئون مختلف وجود آدمی به صفت «پاکی» متصف می‌گردد. البته پاکی در ملازمت با زیبایی، بعد زیباشناختی این نوع از زندگی را نیز نشان می‌دهد (باقری، ۱۳۹۵: ص ۱۳۰) که در عرصه‌های مختلف این نوع از زندگی جاری و ساری است.



۳- مبانی زیبایی‌شناختی

قبل از ورود به بحث زیباشناسی باید گفت: مبانی «هست»‌هایی است که از موقعیت آدمی و امکانات و محدودیت‌هایش و نیز از ضرورت‌هایی بحث می‌کند که حیاتش همواره تحت تأثیر آن‌هاست. مبانی انواعی دارد که از جهات مختلف قابل تقسیم بوده و از لحاظ حوزه و قلمرو، به چهار حیطه تعلق گرفته و شامل انسان، جهان، معرفت و ارزش‌ها است که مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی را شکل می‌دهند، بنابراین «مبانی» آموزه‌هایی است که بیانگر بنیادها و پایه‌های تربیت بوده و از چهار منبع فلسفه، علم، دین و اخلاق استخراج می‌شوند (صداقت، ۱۳۹۲: ص ۷۱-۷۰).

بر این اساس، در این مقاله با تکیه بر مبانی ارزش‌شناختی، بحث زیباشناسی مطرح می‌شود؛ چرا که در بحث از ارزش‌شناسی، دو معنا از ارزش مورد توجه قرار می‌گیرد. در معنای نخست، ارزش، به معنای وسیع کلمه به کاررفته و به جنبه‌های وجودی یک موجود اشاره دارد. در این معناست که «خیر» یا «شر» بودن یک موجود، مورد بحث قرار می‌گیرد (این معنا مربوط به حیطه اخلاق است). در حالت دوم، ارزش، در معنای محدودتری به کاررفته و به‌طور عمده، مربوط به اعتبارهای ادراکی یک موجود نسبت به امور مختلف است (باقری، ۱۳۹۵: ص ۸۲) که این معنا در حیطه درک زیبایی و زشتی انسان از امور و پدیده‌ها قرار می‌گیرد.

در این راستا سابقه درک زیبایی آدمی از امور مادی و معنوی را به لحاظ تاریخی باید، در میان اقوام کهن و دوران باستان و حتی انسان‌های اولیه جستجو کرد (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۳: ص ۳۳۱). البته با وجود اینکه زیبایی‌شناسی از گذشته‌های دور مورد توجه دانشمندان بوده، به‌طور صریح در گذشته این شاخه از دانش بشری نام خاصی نداشته است. زیبایی‌شناسی جدید، از فلسفه و هنر یونان سرچشمه گرفته و در قرن هفدهم و هجدهم میلادی، با تلاش‌های علمی و فلسفی کسانی چون کانت و هگل گسترش و اثبات زیبایی‌شناسی به‌عنوان یکی از





شاخه‌های دانش بشر در فلسفه هنر شروع شد (احمدی، ۱۳۷۴: ص ۲۰). کانت بر این نظر است که زیبایی در اصل هیچ پیوندی با غرض، غایت یا کمال ندارد، از این رو انسان چیزهایی را زیبا یافته، بدون آن که از غرض یا غایت مربوط به آن اطلاعی داشته باشد (کانت، ۱۳۷۷: ص ۱۳۷). لذا «زیبایی‌شناسی» دانشی است که به مطالعه در مورد زیبایی امور و پدیده‌ها صرف نظر از غایت و کمال آن‌ها پرداخته و با توصیف پدیده‌ها و تجربه زیبایی‌شناختی و تفسیر آن سروکار دارد (صالحی، ۱۳۹۶: ص ۱۲). البته زیبایی‌شناسی فقط به اینکه چه چیزی در هنر زیباست نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد سرچشمه‌های حساسیت آدمی به صور هنری و ارتباط هنر با سایر عرصه‌های فرهنگ و تربیت چون فلسفه، اخلاق، دین، علم و صنعت را کشف کند (وهابی، ۱۳۹۵: ص ۲۴).

بر این اساس زیبایی‌شناختی به معنای وسیع کلمه نظریه‌ای در باب زیبایی است که در آن زیبایی طبیعی و زیبایی هنری مطرح می‌شود. چیستی زیبایی همانند چیستی هنر بر کسی شناخته شده نیست، جز اینکه در عمق وجود و فطرت انسان نهفته است و انسان‌ها همیشه جهان و موجوداتش را با چشم زیبایی و زشتی نگاه می‌کنند، بنابراین زیبایی نقشی اساسی در زندگی هر انسانی دارد (نوروزی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۳). لذا زیبایی در معنای والای خود در عالم هستی به طور جدی مطرح است، چنان که ذوق و استعداد زیباجویی و زیبایی‌یابی یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های فطری انسانی بوده و از آن مهم‌تر، یکی از هدف‌های نهایی جهان هستی است (وایتهد، ۱۳۷۱: ص ۷۰۴).

۴- زیباشناسی از منظر قرآن

یکی از ابعاد فطری انسان بعد زیبایی‌شناسی و زیبایی‌دوستی اوست. انسان ذاتاً زیبایی را دوست دارد زیرا هنر و زیبایی از درون فطرت او نشئت می‌گیرد. از سویی قرآن کریم کتاب هدایت انسان بوده و برای رسیدن او به رشد و رستگاری در تمامی ابعاد



جامعیت دارد، لذا خداوند متعال در قرآن کریم به این نیاز انسانی نیز توجه داشته است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ص ۲۹۰). از این رو، آن دسته از انسان‌ها که به ارزش‌های زیباشناختی و امور هنری اهتمام می‌ورزند، مطالب بسیاری را در قرآن می‌یابند که احساس زیباشناسانه آنان را رشد و نمو می‌بخشد و گرایش و روحیه هنری ایشان را تقویت می‌نماید. قرآن توجه آنان را به بهره‌گیری از زیبایی منظره آسمان‌ها فراخوانده و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ﴾؛ به راستی ما آسمان دنیا را با چراغ‌های فروزانی زینت بخشیدیم (ملک: ۵)، و یا توجه انسان را به زیبایی‌های طبیعت در زمین و بیش از همه گیاهان و درختان، جلب نموده که: ﴿وَأَنْبَتْنَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾؛ و انواع گیاهان زیبا و شادی‌بخش را می‌رویانند (حج: ۵) و یا زیبایی‌های موجود در جانداران را یادآور می‌شود که: ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾؛ برایتان در آن‌ها زیبایی است آنگاه که آن‌ها را شامگاهان از چرا باز می‌آورید و بامدادان به چرا می‌برید (نحل: ۶). همچنین زیبایی‌هایی که در خلقت انسان تدارک دیده است را به رخ کشیده و می‌گوید: ﴿وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ﴾؛ و شما را تصویر نمود و در بهترین (و زیباترین) صورت آفرید (تغابن: ۳)، (قرضاوی، ۱۳۸۲: ص ۱۱۹-۱۱۸).

بر این اساس و با بررسی آیات الهی به نظر می‌رسد در قرآن کریم، به هنگام بحث از زیبایی و ارزش زیباشناختی، از دو گونه عنصر یا معیار عینی و ذهنی سخن به میان آمده است. مقصود از «عنصر عینی» در زیبایی این است که چیز زیبا، خود از خصایصی برخوردار است که آن را زیبا می‌گرداند. لذا در برخی از آیات قرآن، از زیبایی و آراستگی چیزها چنان سخن گفته شده که این جنبه عینی در آن غالب است، چنانچه فرموده: ﴿إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾؛ ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم! (صافات: ۶). البته نظیر این تعبیر در مورد زیبایی‌های زمین نیز آمده آنجا که فرموده: ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ﴾؛ تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد (یونس: ۲۴). از سوی «عنصر ذهنی»



نیز، در زیبایی سهم داشته و نقش ادراک و ادراک کننده را در آن نشان می‌دهد. به عبارت دیگر زیبایی، به نحوی و تا حدی به ادراک و ادراک کننده نیز قائم است. زیبایی‌های آسمانی که در آیه فوق به نحو غالب به صورت عینی ذکر شده بود، در موارد دیگر و با ملاحظه ادراک کننده، زیبا معرفی شده است: ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ﴾؛ و به یقین ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم» (حجر: ۱۶)، (باقری، ۱۳۹۵: ص ۲۲۴-۲۲۶). البته آیات الهی قرآن در کل، زیبایی را با وجود آدمی آمیخته دانسته به گونه‌ای که فرموده: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾؛ خداوند انسان را در زیباترین شکل ممکن آفرید» (تین: ۴). لذا در واقع قالب انسانی، عینیت زیبایی در عالم بوده و خاستگاه اصلی زیبایی را باید در انسان جستجو نمود (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۳: ص ۳۳۸-۳۳۱).

بر این مبنای، در قرآن کریم به وفور می‌توان مبنای زیباشناسی و فرهنگ آن را جستجو و یافت نمود. آیات مرتبط با مصنوعات هنری و زیبای بشر، زیبایی طبیعت و جانداران و آسمان، زیباآفرینی رنگ‌ها، زیبایی زن‌های دنیوی و زن‌های بهشتی (حوریان) و حتی زیبایی مردها و قصه زنانی که در مقابل مشاهده زیبایی حضرت یوسف دست خود را می‌برند هم، نمودهایی از فرهنگ زیباشناسی در قرآن هستند. لذا نگاه قرآن به معنا و مفهوم زیباشناسی بسیار وسیع بوده و از این رو، این تحقیق به دنبال تبیین مبانی آن در حیات طیب خواهد بود.

۵- مبانی زیباشناختی حیات طیب

چنانچه در توضیح حیات طیب اشاره شد، این نوع از زندگی جنبه‌ای زیباشناختی نیز دارد و کسی که به این نوع از زندگی نائل می‌شود، باید ذوق و ذائقه زیباشناختی را نیز در خود بیابد بدان دلیل که فراهم آمدن درک و تمیز میان زشتی و زیبایی امور و پدیده‌ها و گرایش به امر زیبا، هدفی است که در این نوع از زندگی، باید به سوی آن



حرکت کرد. به سبب ملازمه اساسی میان پاکی و زیبایی، در قرآن به هنگام اشاره به هدف‌های زندگی پاک و طیب، از آن‌ها به منزله امور زیبا نیز سخن گفته شده و نظر بر این است که افرادی که به هدف‌های زندگی پاک و طیب دست می‌یابند، به موازات آن به نوعی ذوق در شناخت امر زیبا و لذت بردن از آن نیز دست یافته باشند (باقری، ۱۳۹۵: ص ۱۴۱). این ملازمه از آن‌روست که حیات طیبه نه تنها نمادی از زیبایی‌های اخلاقی و معنوی است که درک و تشخیص زشتی و زیبایی امور مادی و معنوی و پدیده‌های عالم هستی، انسان را در رسیدن به هدف غایی خویش که قرب الی الله است کمک می‌نماید.

بر این اساس آفرینش انسان از ابتدا با میل به خوبی‌ها و انزجار از بدی‌ها به هم آمیخته و انسان فارغ از هر نوع آموزش و فرهنگ، زیبایی و زشتی انجام امور را درک می‌نماید که در این شناخت و داوری، به معلم و آموزگاری هم نیازمند نیست (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۲، ج ۲: ص ۱۶۳). البته چون جزئیات اعمال اختیاری انسان، به گونه‌ای است که عقل آدمی به تنهایی نمی‌تواند زشتی و زیبایی آن‌ها را درک کند، لذا بسیاری از مصادیق و جزئیات احکام اخلاقی به دین و آموزه‌های دینی نیاز دارد (جعفری، ۱۳۹۳، ج ۳: ص ۱۰۲). در این راستا اشاره به این نکته نیز ضروری است که هرچند در آموزه‌های دینی از جنبه‌های زیباشناختی به منزله اموری احساسی و اخلاقی سخن رفته، اما چنین نیست که زیبایی و زشتی در موارد مذکور تنها اموری احساسی و درونی یا ذهنی و سلیقه‌ای باشند، بلکه زیرساخت‌هایی وجودی برای آن‌ها می‌توان در نظر گرفت.

این نکته را در مقایسه میان زینت‌گری خدا و شیطان می‌توان ملاحظه کرد. خدا که به زندگی پاک و طیب فرامی‌خواند، در کار زینت‌گری ایمان و کارهای درست است چنان که فرموده: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ﴾؛ ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و (به‌عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است»

(حجرات: ۷). از سوی دیگر، شیطان هم که به حیات پلید می‌خواند در کار زینت‌گری است، چنان‌که اعمال زشت را زیبا جلوه می‌دهد: ﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا﴾؛ آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را خوب و زیبا می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آن‌چنان که هست می‌یابد)؟! (فاطر: ۸). بر این مبنا با اینکه خدا و شیطان هر دو در تزئین و زیباسازی اعمال و عقاید مرتبط با خودند، اما در این میان زیباسازی‌های خدا اصیل، ریشه‌دار و پایدار و زیباسازی‌های شیطان، پوشالی، فریبکارانه و ناپایدار است. بر این اساس نمی‌توان گفت که زیبایی و زشتی، اموری صرفاً ذهنی و ذهن‌گرایانه اند (باقری، ۱۳۹۵: ص ۱۴۲-۱۴۱)، بلکه در عرصه‌های مختلف زندگی آدمی هویدا شده و به منصفه ظهور می‌رسند. لذا در این قسمت با تحلیل آیات قرآن کریم به بررسی مبانی زیباشناسی در عرصه‌های مختلف یک زندگی پاک و طیب پرداخته می‌شود.

۱-۵- عرصه قلب

قلب در قرآن به‌عنوان کانون فطرت و مظهر و تجلی‌گاه روح بوده و قصد و نیت و اراده و اختیار، به آن نسبت داده می‌شود. از این رو، مسؤلیت همه اعمال انسان در نهایت متوجه قلب بوده و انسان به سبب مکتسبات قلبی مورد مؤاخذة قرار می‌گیرد. لذا عرصه قلب مهم‌ترین شان وجودی آدمی را تشکیل می‌دهد (فرهادیان، ۱۳۹۰: ص ۶۴). بر این مبنا سخن گفتن از خدا و ایمان و عمل صالح برای کسی که دیده عقل و قلبش در حجاب است، مانند سخن گفتن از زیبایی چهره‌ای دل‌آرا برای کور مادرزاد است. مناظر زیبا، برای دیده بینا زیباست، نه برای دیده کور. برای کسی که نمی‌بیند، چهره زیبا و نازیبا یکی است. او چه در باغی پر گل و چه در بیابانی خشک باشد، نه زیبایی آنجا را احساس می‌کند و نه در اینجا احساس نازیبایی می‌کند. ابتدا باید دیده بینا پیدا کرد، سپس سراغ چهره زیبا و منظره دلگشا را گرفت. لذا اول باید حجاب‌ها را از مقابل دید قلب برداشت و موانع شناخت را رفع کرد (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۸: ص ۲۴۶) تا پس از آن، بتوان اعمال صالح و طالح را به فرد نشان



داد و زشتی‌ها و آلودگی‌ها را برای او مشخص نمود، همان‌گونه که خداوند متعال به‌صراحت به این مسئله اشاره و فرموده: ﴿وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ (انعام: ۴۳) بدان معنا که وقتی دل و قلب انسان قساوت پیدا می‌کند؛ شیطان، هر عملی که آدمی انجام می‌دهد را در نظرش زینت داده تا زیبا جلوه کند! لذا با قلبی محجوب و قسی نمی‌توان در مسیر حیات طیبیه قرار گرفت.

از سویی، قلب مرکز ادراکات حضوری و شهود باطنی و محل نزول وحی و دریافت فیض الهی و نیز محل ارتباط با عالم غیب و ماوراءالطبیعه است. قلب نیز برای خود، همانند چشم و گوش کانال‌هایی برای ادراک و احساس دارد و واقعیات و زیبایی‌ها و آلودگی‌ها را می‌بیند و حس می‌کند. در صورتی که نفس انسان تحت فرمانروایی عقل و هدایت شرع قرار گیرد، انسان در مسیر خیر و کمال قرار می‌گیرد و تسلیم حق می‌شود و به شهود قلبی می‌رسد، حق می‌گوید و حق را می‌شنود و کانون و تجلی‌گاه حقایق عالم می‌گردد.

اما اگر انسان از هوای نفس پیروی کرده و عقل را مقهور هوای نفس گرداند، اسیر هوای نفس می‌شود و به معاصی و گناهان روی می‌آورد و موجبات کوری و کوری و بسته شدن دریچه فهم و درک قلبی را فراهم می‌سازد و نسبت به حقایق عالم احساس بیگانگی می‌کند (فرهادیان، ۱۳۹۰: ص ۶۴-۶۵). از این روست که خداوند در آیه ۲۵ سوره مبارکه اسراء در هنگام ارزیابی اعمال انسان به مسئله نیت و مقاصدی که قلبا در نظر می‌گیرد به‌عنوان یک مورد تعیین‌کننده توجه داده و می‌فرماید: ﴿رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ﴾؛ پروردگارتان به نیت‌ها و حالاتی که در قلب‌های شماست از خود شما آگاه‌تر است» (اسراء: ۲۵). بر این اساس کارهای نیک و صالح اگر به نیت خیر انجام گیرد می‌تواند تأثیرگذار باشد و اهداف واقعی عمل را که شخصیت‌سازی و هویت‌بخشی به انسان است، برآورده سازد. لذا نیت پاک، به اعمال ارزش می‌دهد و نیت ریا آلود و ناپاک موجب تباهی کارها می‌شود و بنا بر آیه قرآن، عمل انسان را پوچ و بی‌محتوا و بی‌ارزش می‌سازد (بقره: ۲۶۴).



بر این اساس، خداوند باری تعالی در آیات گوناگونی به دقت نظر ویژه مؤمنین در نیات قلبی خویش در انجام امور، اشاره نموده و از آنان می‌خواهد زشتی نیت‌ها در نظرشان تزئین نشود که: ﴿بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا﴾؛ (مراقب باشید) هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! (یوسف: ۱۸). در این آیه «تسویل» به معنای «تزئین» است و نفس مسوله، نفسی است که هوس‌ها و نیات زشت را در انسان آن‌چنان زینت می‌دهد که آن را امری ضروری و یا مقدس تصور می‌کند. این نفس باعث می‌شود آنجا که یک اراده افراطی به انجام کاری باشد، به خصوص هنگامی که توأم با رذایل اخلاقی شود، پرده‌ای بر حس تشخیص انسان افکنده شود و حقایق در نظر او واژگونه جلوه کرده (پورسیدآقایی، ۱۳۸۷: ص ۴۴-۴۳) و زشتی‌ها و آلودگی‌ها، زیبا نشان داده شود. لذا قلب انسان به‌عنوان کانون اراده و نیت و اختیار، جلوه‌گاه مقدسی برای حیات طیبه بوده و لازم است آن را از پلیدی‌ها به دور نگاه داشت.

۲-۵- عرصه اندیشه و اعتقاد

دومین عرصه حیات طیبه در دامان پاکی اندیشه و اعتقاد شکل می‌گیرد. این پاکی به مبرا شدن ذهن آدمی از افکار نادرست، موهوم و شرک‌آمیز مربوط می‌شود. دست یافتن به درک توحیدی از هستی و گرویدن به خدا مضمون اندیشه و اعتقاد پاک است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که اندیشه پاک، انسان را به کار خیر و اندیشه ناپاک، او را به کار زشت فرامی‌خواند.

از سویی اندیشه‌ها و خلقیات و رفتارهای مثبت آدمی، تجسم و تبلور ایمان و اعتقاد حقیقی اوست. در این مسیر، اعتقاد به یگانگی خداوند و اسمای حسنی او و ایمان به خالقیت و ربوبیت خدای یکتا، در جوانب مختلف زندگی انسان موحد و مؤمن اثر گذارده و او را در راه رسیدن به زندگی پاک یاری می‌نماید. البته هرچند اندیشه پاک و ایمان به خداوند، به تنهایی دارای ارزش و اعتبار و اصالت بوده و در تأمین سعادت و ارتقای انسان به مقام قرب الهی در عرف عالمان دین، نقشی اساسی



دارد، لیکن به تنهایی عامل تعالی انسان نیست. ثمره این اعتقاد و باور، باید در زندگی فردی و اجتماعی آدمی ظاهر گردد که خداوند فرموده: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْأَعْمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾؛ سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد» (فاطر: ۱۰). بدیهی است که مقصود از «کلم» در این آیه، توحید و اعتقاد به آن است که زیربنای «عمل صالح» بوده و نردبان عروج و صعود این عقیده پاک به سوی قرب الهی است (خلجی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۳۳۹).

بر این اساس در آیات الهی از دو نوع اندیشه یا اعتقاد پاک و پلید سخن به میان آمده آنجا که فرموده است: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ... وَ مَثَلٌ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ...﴾؛ آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه که اعتقاد واقعی به توحید است را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن در زمین ثابت و شاخه آن در آسمان است؟! ... و همچنین «کلمه خبیثه» که همان کفر و شرک است را به درخت زشت و ناپاکی تشبیه کرده که از زمین برکنده شده و قرار و ثباتی ندارد (ابراهیم: ۲۷-۲۴)، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ص ۳۳۰).

مقصود از سخن پاک در این آیات الهی، اندیشه و اعتقاد صحیح است که از ویژگی ثبات و پایداری برخوردار است و در مثل، مانند درختی دانسته شده که ریشه‌ای استوار دارد. در مقابل، سخن پلید حاکی از اعتقاد موهوم و بی‌بنیاد است که مثل آن، مثل درخت بی‌ریشه‌ای است که نه قرار دارد و نه ثمره‌ای به دست می‌دهد. به همین دلیل، مشرکان از جمله به سبب اعتقاد بی‌بنیادشان در شریک گرفتن موجودات موهوم برای خدا، پلید و ناپاک نامیده شده‌اند. بدین ترتیب، یکی از جلوه‌های حیات طیبه، آن است که فرد در عرصه اندیشه و اعتقاد، پاک و طیب شده، تصورات موهوم و شرک‌آمیز را کنار زده، به درکی توحیدی نائل گردیده و به خداوند ایمان راستین آورد (باقری، ۱۳۹۵: ص ۸۸). لذا شناخت اندیشه و اعتقاد پاک و آلوده می‌تواند آدمی را در راه رسیدن به حیات طیبه یاری نماید.



لازم به ذکر است در تبیین کلی، از نظر قرآن، ایمان و اندیشه پاک و اعتقاد به خداوند زیبایی معنوی انسان شمرده شده و کفر و فسق و معصیت را زشت و منفور ترسیم نموده، آنجا که فرموده: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَتْ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ﴾ (حجرات: ۷). محبوب کردن ایمان در دل مؤمنین در این آیه مبارکه به این معناست که خدای تعالی، ایمان و اعتقاد پاک به ربوبیت اش را به زیوری آراسته که دل‌های انسان‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و آن را در دل‌هایشان زینت بخشیده و زیبا جلوه می‌دهد تا مردم بدانند هر اعتقاد و اندیشه پاک، زیباست و هر کفر و گناهی، زشت و کریه‌منظر.

۳-۵- عرصه عواطف

عواطف یکی دیگر از ابعاد مهم شخصیت آدمی است. گرایش‌های عاطفی، نقشی اساسی در طرز رفتار و سلوک انسان در زندگی دارد. عواطف همچون غرایز و انگیزه‌ها، می‌تواند به رفتار و کردار و حتی اعتقادات آدمی جهت بدهد. آثار عواطف در یادآوری و تداعی اندیشه‌ها، بروز تمایلات و اعتقادات و همچنین در قلب و زبان و اندام‌های دیگر ظاهر می‌گردد (فرهادیان، ۱۳۹۰: ص ۱۰۶). لذا سومین جلوه گاه حیات طیبه عرصه عواطف آدمی است. مصداق زندگی پاک در این عرصه، مبرا شدن گرایش‌ها و هیجان‌ها و غرایز انسان از هوس‌ها یا وسوسه‌های شیطانی و جایگزین کردن گرایش‌های موجه و مشروع به جای آن‌هاست. اهمیت این عرصه بدین جهت است که پیروی از تمایلات نفسانی و به تبع آن زنگار گناه، به تدریج فطرت پاک و زیبای خدادادی را ظلمانی و پلید ساخته و مانع از کمال انسان و رسیدن او به حیات پاک می‌شود.

البته عواطف در وجود آدمی منشأ ادراکی ندارند و بر اساس گرایش‌های فطری و غریزی قالب‌گیری شده و به وسیله عادات، اعمال می‌شوند. بر این مبنا عواطف می‌تواند از صورت ابزاری نسبت به شیء موردنظر، جابه‌جاشده و به هدف عالی‌تر یا



پست تر منتقل کردند (فرهادیان، ۱۳۹۰: ص ۱۰۶). به همین دلیل است که در این جلوه گاه زندگی نیز، در قرآن کریم از دو گونه گرایش و غریزه پاک و پلید سخن به میان آمده و از دو مفهوم «وسوسه» و «ذکر» برای بیان آن استفاده شده است. اولی حاکی از نوع پلید و آلوده یک عاطفه و دومی حاکی از نوع پاک و زیبای آن. «وسوسه» ناظر به تحریک و تهییج شیطانی است که هم در مورد شهوت و هم در مورد غضب صورت می پذیرد. در مورد شهوت، با اشاره به وسوسه شیطان به خوردن میوه ممنوعه آمده است: ﴿فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا﴾؛ شیطان، آدم و حوا را به وسوسه فریب داد تا زشتی هایشان را که از آنان پوشیده بود بر ایشان پدیدار کند (اعراف: ۲۰) در مورد غضب نیز، با اشاره به تهییج شیطان برای گسترش دشمنی و کینه توزی آمده است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ وَعَنِ الصَّلَاةِ﴾؛ شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شمارا از یاد خدا و از نماز بازدارد (مائده: ۹۱).

در مقابل این گرایش های پلید، «یاد خدا» یا «ذکر» حاکی از توجه و تمایل عاطفی انسان نسبت به خداست. این گرایش، تمایل پاکی است که هجوم وسوسه را مهار می زند، همان گونه که خداوند متعال فرموده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند و ناگهان بینا می گردند (اعراف: ۲۰۱)، (باقری، ۱۳۹۵: ص ۸۸).

تأکید خداوند متعال بر شناخت این نوع گرایش ها و عواطف، از آن روست که انسان به سبب پیروی از تمایلات و عواطف شیطانی خود، محروم از زندگی پاک و طیب شده و در این عرصه خواهد باخت. لذا در آیات بسیاری به زشتی پیروی از هواها و تمایلات نفسانی اشاره نموده و از مؤمنین می خواهد با درک زشتی و پلیدی در این شان وجودی به سمت آن گرایش پیدا ننمایند، چراکه شیطان در کار زینت



گری زشتی هاست، آنجا که باری تعالی متذکر شده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ﴾؛ بی تردید کسانی که پس از روشن شدن هدایت برای آنان به همان عقاید باطل و کردار ناپسندشان برگشتند و دست از قرآن و پیامبر برداشتند، شیطان، زشتی‌هایشان را در نظرشان آراست و آنان را در آرزوهای دور و دراز انداخت» (محمد: ۲۵). بنا بر تأکید این آیه مبارکه، کسانی که در راه انحراف از حق و به تبع آن پیروی از هوی و هوس و کفر و گناه قدم برداشته و بر آن اصرار می‌ورزند، ناپاکی، هم چون نقش بر سکه، بر دل‌هایشان حک شده و تشخیص خوب و بد از آنان گرفته می‌شود، به طوری که حق و باطل را تشخیص نمی‌دهند (رضایی اصفهانی، ج ۷: ۱۳۸۷، ص ۱۸۱). چراکه شیطان در این مسیر، برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی و عواطف انسانی، کارهای زشت را به گونه‌ای توجیه می‌کند که انجام آن برای آدمی زیبا و پسندیده باشد، همان گونه که خداوند به آن هشدار داده و فرموده: «زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ؛ (شیطان) زشتی اعمالش را در نظرش آراسته و از هوای نفسشان پیروی می‌کنند» (محمد: ۱۴).

۴-۵- عرصه عمل

چهارمین جلوه گاه زندگی عرصه اعمال و رفتارها، اعم از جمعی و فردی است. این عرصه مهم‌ترین عرصه حیات طیبیه بوده چراکه ایمان و نیت و اراده و عاطفه و غریزه و ...، حالت روح حیات طیبیه را دارد، لیکن بقای آن و ترتب آثار بر آن، جز در پرتو عمل صالح میسر نیست، همانند حیات طبیعی که در اصل تکوّن خود، محتاج به روح حیوانی بوده ولی در بقا و ادامه‌ی حیات خویش، ناچار باید قوا و اعضایش را به کار اندازد، به طوری که اگر جمیع اعضا از هر گونه فعالیت بازایستد، زندگی او باطل و بی‌ثمر خواهد بود (حق جو، ۱۳۸۹: ص ۱۹۱). در ضمن عمل صالح، نه تنها نشانه وجود ایمان در دل‌ها و مایه تجلی و درخشش آن در قلمرو زندگی است که



نسبت آن به ایمان، به منزله تنه، به ریشه آن است. بر این مبنا در این عرصه، در آموزه‌های قرآنی فراوانی همواره سخن از اعمال صالح و طالح به میان آمده تا به مسلمانان گوشزد نماید که خداوند شخصیت انسان را بر اساس ایمان و عمل صالح ارزیابی کرده و پاداش می‌دهد. لذا در آیات متعدد امر به انجام اعمال صالح و پاک نموده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ و در ادامه از انجام اعمال زشت و منکر نهی می‌نماید که: ﴿وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ﴾ (نحل: ۹۰).

بر این مبنا خداوند باری تعالی در تبیینی کلی به این نکته اشاره نموده که حیات طیبه در گرو انجام اعمال صالح بوده و متذکر می‌شود: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمْ﴾؛ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان زندگی خوش و با سعادت و بازگشتی نیک است» (رعد: ۲۹). بسیاری از مفسران کلمه «طوبی» در این آیه مبارکه را مؤنث «اطیب» دانسته‌اند که مفهومی بهتر و پاکیزه‌تر یا بهترین و پاکیزه‌ترین است و با توجه به اینکه متعلق آن محذوف است مفهوم این کلمه از هر نظر وسیع و نامحدود خواهد بود، بدان معنا که با ذکر جمله «طوبی لهم» همه نیکی‌ها و پاکی‌ها برای آنان پیش‌بینی شده است. از همه چیز بهترینش، بهترین زندگی، بهترین نعمت‌ها، بهترین آرامش، بهترین دوستان و بهترین الطاف خاص پروردگار که البته همه این‌ها در گرو ایمان و عمل صالح است و پاداشی است برای آن‌ها که از نظر عقیده محکم و از نظر عمل، پاک و درستکارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ص ۲۰۹).

بر این اساس هنگامی که ایمان به خدا، به منزله یکی از جنبه‌های حیات پاک در آیات الهی مطرح می‌گردد، به این نکته نیز اشاره می‌شود که فرد مؤمن باید زشتی و زیبایی اعمال خود و دیگران را درک نموده و از گرایش یا بازگشت به زشتی خودداری کند تا از انجام اعمال آلوده و زشت مصون بماند. همان‌گونه که در آیه ۱۱ سوره مبارکه حجرات به کسانی که ایمان آورده‌اند، گفته شده که: ﴿وَلَا تَنَابَرُوا



بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ؛ و با لقب‌های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید، بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت گذاری کنند!» و یا می‌فرماید: ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مِثْلًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ آیا کسی که مرده بود، سپس او را (به نور ایمان) زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟! این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزئین شده (و زیبا جلوه کرده) است» (انعام: ۱۲۲).
 لذا خداوند از مؤمنین می‌خواهد که پس از ایمان آوردن، دیگر به سوی اعمال زشت و پلید گرایش نشان ندهند و در آیات متعددی سعی بر آن شده که با به رخ کشیدن زشتی این کارها، ذائقه زیباشناختی فرد مؤمن مورد محافظت قرار گیرد (باقری، ۱۳۹۵: ص ۱۴۲-۱۴۱).

لازم به ذکر است در این زمینه خداوند متعال در آیه مبارکه ﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (انفال: ۳۷) نیز، بر این مسئله تأکید دو چندان نموده و تذکر می‌دهد که نباید فریب ظاهر را خورد و لازم است زشتی خبائث و آلودگی‌ها را در هر شکلی و در هر عرصه‌ای که باشد تشخیص داد. نکته مهم این که در پایان آیه اشاره می‌کند که اگر انسان تقوا داشته باشد، بینش و بصیرت خاصی پیدا کرده و می‌تواند خبیث را از طیب و پاک به روشنی بازشناخته و در تشخیص پاکی و زیبایی از ناپاکی و زشتی دچار اشتباه نشود (جعفری، ۱۳۹۳، ج ۳: ص ۲۷۱).



نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می دهد: حیات طیبه یا زندگی پاک، ناظر به وضعیت مطلوب وجود آدمی است که در نتیجه ارتباط با خدا و دوری از پلیدی های ظاهری و باطنی در وی حاصل می شود. در این وضعیت، عرصه های مختلف وجود آدمی، متصف به صفت «پاکی» می گردد. البته پاکی در ملازمت با زیبایی، بعد زیباشناختی این نوع از زندگی را نیز نشان می دهد که در عرصه های مختلف آن جاری و ساری است. بر این اساس، به سبب ملازمه اساسی میان پاکی و زیبایی، در قرآن به هنگام اشاره به هدف های زندگی پاک و طیب، از آن ها به منزله امور زیبا نیز سخن گفته شده و نظر بر این است که افرادی که به هدف های زندگی پاک و طیب دست می یابند، به موازات آن به نوعی ذوق در شناخت امر زیبا و لذت بردن از آن نیز دست یافته باشند.

یافته های محقق در این پژوهش بر این استوار شد که قلب در قرآن، به عنوان کانون فطرت و مظهر و تجلی گاه روح بوده و قصد و نیت و اراده و اختیار، به آن نسبت داده می شود. از این رو، مسؤلیت همه اعمال انسان در نهایت متوجه قلب می شود و انسان به سبب مکتسبات قلبی مورد مؤاخذة قرار می گیرد! بر این اساس، خداوند باری تعالی نه تنها در آیات گوناگونی به دقت نظر ویژه مؤمنین در مقاصد و نیات قلبی خویش در انجام امور اشاره نموده، که از آنان می خواهد با کنار زدن حجاب های قلبی، زشتی امور در نظرشان تزئین نشود. در دومین عرصه حیات طیبه نیز که در دامان پاکی اندیشه و اعتقاد شکل می گیرد در قرآن کریم به صورت مکرر، به زیبایی اندیشه و اعتقاد پاک و زشتی اندیشه های ناپاک اشاره شده تا بیشتر مورد توجه مخاطبین قرار گیرد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که اندیشه پاک، انسان را به کار خیر و اندیشه ناپاک، او را به کار زشت و پلید فرامی خواند. سومین جلوه گاه حیات طیبه عواطف است، بنابراین خداوند متعال در آیات بسیاری به زشتی پیروی از هواها و تمایلات نفسانی اشاره نموده و از مؤمنین



می‌خواهد با درک زشتی و آلودگی عواطف و هیجاناتی که شیطان آن‌ها را زیبا جلوه می‌دهد، به آن‌ها گرایش پیدا نمایند. چراکه پیروی از تمایلات نفسانی و به تبع آن زنگار گناه، به تدریج فطرت پاک و زیبای خدادادی را ظلمانی و پلید می‌سازد و مانع از کمال انسان و رسیدن او به حیات پاک می‌شود.

چهارمین جلوه گاه حیات طیبه نیز، عرصه اعمال و رفتارها، اعم از جمعی و فردی است. این عرصه مهم‌ترین جلوه حیات طیبه است، زیرا ایمان و نیت و اراده و عاطفه و غریزه و ...، حالت روح حیات طیبه را دارد، لیکن بقای آن و ترتب آثار بر آن، جز در پرتو عمل صالح میسر نیست. بر این اساس، هنگامی که ایمان به خدا، به منزله یکی از جنبه‌های حیات پاک در آیات الهی مطرح می‌گردد، به این نکته اشاره می‌شود که فرد مؤمن باید زشتی و زیبایی اعمال خود و دیگران را نیز درک نموده و از گرایش یا بازگشت به زشتی خودداری کند تا از اعمال پلید مصون بماند.

بر این اساس درک زیبایی و زشتی نیت و مقاصد قلبی، اندیشه‌ها و اعتقادات، عواطف و اعمال و به عبارتی زیباشناختی امور و پدیده‌ها، در نیل انسان به بهترین نوع زندگی «حیات طیبه» نقشی اساسی داشته و خداوند متعال در آیات فراوانی، مبانی آن را یادآوری نموده است.



کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای، انصاریان، فولادوند، آیتی و مکارم شیرازی.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۴)، حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر، تهران: مرکز.
۳. باقری، خسرو (۱۳۹۵)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: علمی فرهنگی.
۴. پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۸۷)، حج ابراهیمی؛ حج مهدوی، قم: موسسه آینده روشن.
۵. تحریری، محمدباقر (۱۳۸۸)، شرح حدیث عنوان بصری (بندگی حقیقی و حقیقت علم)، تهران: حر.
۶. جعفری، عباس، رسولیان، حسین (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات همایش سبط النبی امام حسن مجتبی‌علیه‌السلام، ج ۳، قم: مجمع جهانی اهل بیت.
۷. جعفری، یعقوب (۱۳۷۷)، تفسیر کوثر، ج ۳، قم: هجرت.
۸. حق جو، عبدالله (۱۳۸۹)، ولایت در قرآن، قم: زائر.
۹. خلجی، محمدتقی (۱۳۸۳)، اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه)، ج ۱، قم: پرتو خورشید.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر مهر، ج ۷، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۱. _____ (۱۳۹۱)، قرآن و علوم طبیعی، قم: نسیم حیات.
۱۲. _____ (۱۳۹۶)، مجموعه مقالات «قرآن و علوم انسانی» (برگرفته از مجله قرآن و علم)، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۲)، مدخل مسائل جدید در علم کلام، ج ۲، قم: موسسه امام صادق علیهما السلام.
۱۴. صالحی، ملیحه (۱۳۹۶)، زیبایی‌شناسی طرح‌واره‌های تصویری در قرآن کریم (با رویکرد زبان‌شناسی شناختی)، کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.



۱۵. صداقت، محمدعارف (۱۳۹۲)، تکامل برزخی یا رشد پس از مرگ، قم: زائر.
۱۶. فرهادیان، رضا (۱۳۹۰)، مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، قم: بوستان کتاب.
۱۷. قرضاوی، یوسف، سلیمی، عبدالعزیز (۱۳۸۲)، قرآن منشور زندگی، تهران: احسان.
۱۸. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۹)، عرفان و عشق، قم: دفتر نشر معارف.
۱۹. کانت، ایمانوئل (۱۳۷۷)، نقد قوه حکم، رشیدیان، عبدالکریم، تهران: نی.
۲۰. محمدنیا کلیمانی، مکرم (۱۳۹۱)، آیین موعظه و نصیحت در مکتب قرآن، رشت: کتاب مبین.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸)، مبانی شناخت، قم: دارالحدیث.
۲۲. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸)، تفسیر کاشف، دانش، موسی، ج ۱، قم: بوستان کتاب.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۳)، عرفان و مباحث کلامی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۵. نوروزی، رضاعلی، متقی، زهره (۱۳۸۸)، زیبایی شناسی از منظر علامه جعفری و پیامدهای تربیتی آن، فصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، سال ششم، شماره ۲۱، (۱۰۹-۱۳۲).
۲۶. وایتهد، آلفردنورث (۱۳۷۱)، سرگذشت اندیشه‌ها، فریدون، شایان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. وهابی، سیدغفور (۱۳۹۵)، تبیین دیدگاه زیبایی شناسی غزالی و دلالت‌های آن در تربیت زیبایی شناختی، کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.



Bibliography

1. The Holy Quran, Translated by Elahi Ghomshei, Ansariyan, Foladvand, Ayati and Makarem Shirazi.
2. Ahmadi, Babak (1995), Truth and Beauty, Philosophy lessons of Art, Tehran: Markaz.
3. Bagheri, Khosrow (2016), Introduction to the Philosophy of Education of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Elmi Farhangi.
4. Farhadian, Reza (2011), Basics of Education in Quran and Traditions, Qom: Bostane Ketab.
5. Gharzavi, Yusuf, Salimi, Abdolaziz (2003), Quran of the Charter of Life, Tehran: Ehsan.
6. Haghjoo, Abdullah (2010), Velayat in Quran, Qom: Zaer.
7. Jafari, Abbas, Rasolian, Hossein (2014), Collection of Conference Articles on Sebtonabi Imam Hasan Mujtaba (p.b.u.h), Vol 3, Qom: The World Assembly of Prophet's Family.
8. Jafari, Yaghob (1998), Kowsar Interpretation, Vol 3, Qom: Hejrat.
9. Kant, Emanuel (1998), Criticism of Verdict, Rashidiyan, Abdolkarim, Tehran: Ney.
10. Kashefi, Mohammad Reza (2010), Mystiesm and Love, Qom: Maaref Publishing Office.
11. Khalaji, Mohammad Taghi (2004), Secrets of Quietists (Description of Sahife Sajjadie), Vol 1, Qom: Parto Khurshid.
12. Makarem Shirazi, Naser (2001), Nemone Interpretation, Vol 10, Tehran: Darolkotob Aleslamie.
13. Mansouri Larijani, Ismaeel (2004), Mystiesm and Topics of Discursive, Tehran: Islamic Azad University.
14. Mohammadi Rey Shahry, Mohammad (2009), Basics of Cognition, Qom: Darolhadis.
15. Mohammadniya Kalimani, Mokaram, (2012), Ceremony Admonition and Allocution in School of Quran, Rasht: Ketabe Mobin.
16. Moqnie, Mohammad Javad (1999), Kashef Interpretation, Danesh, Musa, Vol 1, Qom: Bostane Ketab.
17. Norozi, Reza Ali, Mottaghi, Zohre (2009), Aesthetic from a Point of View Allame Jafari and its Educational Outcomes, Journal of Scientific Promotion's Shi'a Women, Vol 6, No 21. Pp 109-132.

18. Poor Sayed Aghae (2008), Ebrahimi's Hajj, Mahdavi's Hajj, Qom: Ayande Roshan Institute.
19. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (2008), Mehr Interpretation, Vol 7, Qom: Researches of the Interpretation and the Quranic Sciences.
20. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (2012), Quran and Natural Sciences, Qom: Nasime Hayat.
21. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (2017), Collection of Articles in the Quran and Human Sciences (From the Journal of Quran and Science), Qom: Researches of the Interpretation and the Quranic Sciences.
22. Salehi, Malihe (2017), Aesthetic of Image Plans in Quran (By Approach Cognitive linguistics, M. Sc, Science and Education in Quran University.
23. Sedaghat, Mohammad Aref (2013), limbo Evolution or Post - Death Development, Qom: Zaer.
24. Sobhani Tabrizi, Jaffar (2003), Introduction to the New Issues in the Science of Discursive, Vol 2, Qom: Imam Sadegh (p.b.u.h) Institute.
25. Tahri, Mohammad Bagher (2009), Tradition Description of Envan Basri, (True Servitude and the Truth of Science) Tehran: Hor.
26. Vahhabi, Sayed Ghafoor (2016), Explanation Point of View in Ghazali 's Aesthetic and Its Implications in Aesthetic Education, M. Sc, Kharazmi University.
27. Vayt'hed, Alfred North (1992), The Story of Thoughts, Fereydoun, Shayan, Tehran: Publishing Office of Islamic Culture.